



۲۰۱۶/۰۶/۰۸



خلیل الله ناظم باختري

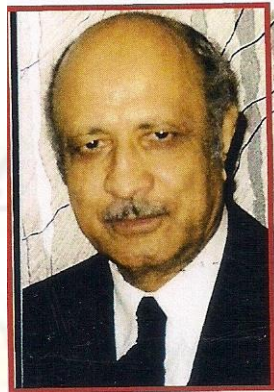
تحفه های ناظم

(تحفه ۲۹)

شرم افغان

به استقبال ازین بیتِ مرحوم شیخ الشعراء احمد صدیق "حیا":

هر زمانی گر شود گفتار ما چون کار ما
می دمد گل‌های عشرت از میان نار ما



چون نمی باشد موافق در عمل گفتار ما
گاه پیمان بستن و گاهی سخن بشکستن است
یاد ایامی که ما هم افتخاری داشتیم
طالب بیچاره هم راه خدا را ایله کرد
یکطرف ریش کشال و یکطرف قتل و قتل
ازبک و پشتون و تاجک چون برادر بوده اند
هیچ کس باور ندارد بعد از این اظهار ما
خجالت آور ر می شود هر عادتِ تکرار ما
بود از نام مجاهد گرمی بازار ما
رفت در راهی که باشد راه استثمار ما
گُفر می خندد به این عمامه و دستار ما
یک برابر بوده اند هزاره و تاتار ما

فرق بین شیعه و سنی چه می باشد بگو
حضرت جعفر یکی و حضرت نعمان دگر
جنگ ما جنگ جهالت است و جنگِ ذلت است
از نفاق و از شقاقِ ما چه می آید بیرون
شرم بادا بر تو ای افغان که اندر ملکِ تو
تا نباشد اتحاد و اتفاق و یکدلی
یا خداوندا توئی مشکل گُشا، مشکل گُشا
یا بگو یا دور شو از کارِ ما و بارِ ما
هر دو باشند در حقیقت رهبر و سردارِ ما
یا الهی در بگیرد نوکرِ اغیارِ ما
رفته رفته می شود بیگانه ای بدارِ ما
کدخدائی می کند آن دشمنِ غدارِ ما
صد گرهِ دیگری می افتد اندر کارِ ما
رحم کن بر حال زار ملتِ ناچارِ ما

راست گفتم **ناظما** ترسی ندارم از عدو

تا جهان واقف شود از حالتِ ادبارِ ما

الحاج خلیل الله ناظم "باختری"

همبورگ - هفتم جون ۲۰۱۶

